



۱ - تعداد مسند در کدام ابیات یکسان است؟

- (الف) در عالم زیبایی تو خواجه معروفی  
(ب) ساقی از این مقام شد صبح نشاط، شام شد  
(ج) در سرم هست که خاک کف پای تو شوم  
(د) با وجود تو نمانده است امیدی ما را

- (۱) الف، د (۲) الف، ج (۳) ب، ج (۴) ب، د

۲ - نمودار کدام ترکیب، درست رسم شده است؟

- (۱) حلقه زلف سیاهش  
(۲) حسرت آن لعل روانبخش  
(۳) غلام همّت آن رند  
(۴) آن زیارتگه رندان جهان

۳ - در همه گزینه‌ها هم «رای حرف اضافه» و هم «رای مفعولی» به کار رفته است. به جز گزینه.....

- (۱) در شیشه‌خانه آینه را نیست اعتبار  
(۲) سیل را خاشاک در زنجیر نتواند کشید  
(۳) چو حجت نماند جفاجوی را  
(۴) اگر آن ترک شیرازی به دست آرد دل ما را
- (۱) گل را ز گل فروش به بستان که می برد  
(۲) رهروان عشق را دنیا نگردد پای بند  
(۳) به پر خاش درهم کشد روی را  
(۴) به خال هندویش بخشم سمرقند و بخارا را

۴ - نقش واژه مشخص شده در کدام بیت، درست تعیین نشده است؟

- (۱) هم تو را از هوا به شست آرند  
(۲) آب شور است نعمت دنیا  
(۳) یار هم کاسه هست بسیاری  
(۴) دوست را گر ز هم بدری پوست
- (۱) همه را جمله نیست گردانند (مسند)  
(۲) چون بود آب شور و استسقا (متمم)  
(۳) لیک هم کیسه کم بود یاری (قید)  
(۴) گر کند آه، او نباشد دوست (مفعول)

۵ - دو واژه مشخص شده در کدام دو بیت، نقش دستوری یکسانی دارند؟

- (۱) بر ژرف دهانت سخت بندی  
(۲) ییا که قصر امل سخت سست بنیاد است  
(۳) گفتم این شرط آدمیت نیست  
(۴) خامش منشین، سخن همی گوی  
(۵) سحر، گاه رفتن زدی با لطافت  
(۶) برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر  
(۷) همی راند تیر گز اندر کمان  
(۸) به بادافره این گناه همی مگیر
- (۱) برسته سپهر دیو پر فند  
(۲) بیار باده که بنیاد عمر بر باد است  
(۳) مرغ، تسبیح گوی و من خاموش  
(۴) افسرده میاش، خوش همی خند  
(۵) به پیشانی ام بوسه آخرت را  
(۶) وه که با خرمن مجنون دل افگار چه کرد  
(۷) سر خویش کرده سوی آسمان  
(۸) تویی آفریننده ماه و تیر

۶ - نقش دستوری واژه‌های بیت زیر در کدام گزینه کاملاً درست مشخص شده است؟

- (۱) تو کافر دل نمی بندی نقاب زلف و می ترسم  
(۲) که محرابم بگرداند خم آن دلستان ابرو  
(۳) نقاب (متمم)، محراب (مسند)، ابرو (نهاد)  
(۴) نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف‌الیه)  
(۵) دل (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف‌الیه)  
(۶) نقاب (مفعول)، محراب (مفعول)، ابرو (مضاف‌الیه)



۷- نمودار کدام گروه اسمی درست کشیده نشده است؟

همه جور آدم عجیب و غریب

(۷)

دو دستگاه دوربین عکاسی قدیمی

(۱)

این درخت چنار پیر باغ

(۴)

یک تکه کاغذ نقاشی مجاله شده

(۳)

۸- در بیت «راست زهری ست شکرین انجام / کژ نباتی که تلخ دارد کام» نقش دستوری واژه‌های مشخص شده به ترتیب چیست؟

- (۱) نهاد، صفت، نهاد، مسند      (۲) نهاد، مسند، نهاد، مسند      (۳) قید، نهاد، صفت، مفعول      (۴) قید، صفت، صفت، مفعول

۹- نقش دستوری گروه‌های مشخص شده در بیت زیر کدام است؟

- نیست سلطان زمین حاکم درویش که نیست      بنده سلطنت فقر به فرمان کسی  
(۱) نهاد - مسند - نهاد      (۲) نهاد - مسند - مسند      (۳) مسند - نهاد - نهاد      (۴) مسند - نهاد - مسند

۱۰- نوع حذف فعل در کدام گزینه متفاوت است؟

- (۱) نیابد بدو نیز اندیشه راه      که او برتر از نام و از جایگاه  
(۲) زمین برنتابد سپاه تو را      نه خورشید تابان سپاه تو را  
(۳) نیابد همی شرم از خویشتن      کز او فارغ و شرم داری ز من  
(۴) معاشران گره از زلف یار باز کنید      شبی خوش است بدین قصه‌اش دراز کنید

۱۱- در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟

- (الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش  
(ب) نشستم تا برون آیی خرامان  
(ج) تو در عالم نمی گنجی ز خوبی  
(د) دوست دارد آن که داری دوستش

- (۱) دو      (۲) سه      (۳) چهار      (۴) پنج

۱۲- در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

- (الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را      که باغ خلد این ریحان جان پرور نمی دارد  
(ب) مگر دیده است چشم خویش نگاه آن سمن بر را؟      زمین خانه بردوشان عمارت بر نمی دارد  
(ج) نییچد سر ز زخم گاز شمع ما سیه روزان      گل این باغ شبنم از لطافت بر نمی دارد  
(د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل      که بار شانه آن زلف معنبر بر نمی دارد  
(هـ) عرق رخسار آن خورشید طلعت بر نمی دارد      که چشم از پشت پا نرگس ز خجلت بر نمی دارد

- (۱) الف، ب، ه      (۲) الف، ج، د      (۳) ب، ج، د      (۴) ب، ج، ه

۱۳- تعداد ترکیب‌های وصفی در کدام گزینه بیشتر است؟

- (۱) کارم چو زلف خود همه در یکدگر فکند      سازم چو عهد خود همه در یکدگر شکست  
(۲) به هر هفته‌ای منزلی چند راند      به هر منزلی هفته‌ای چند ماند  
(۳) حالیا عشق و ناز تو ز بنیادم برد      تا دگر باره حکیمان چه بنیاد کند  
(۴) چه کعبه و بتخانه چه خانقه و مسجد      با یاد تو در هر جا جمعند پریشان‌ها

۱۴- با توجه به ابیات زیر، کدام مورد «غلط» است؟

- با لعل لب شراب را مستی نیست      با قد تو سرو را بجز پستی نیست  
ما را دهن تو نیست می‌پندارد      با آن که به یک ذره در او هستی نیست

- (۱) «مستی، پستی، هستی» همگی مسند هستند.      (۲) در ابیات «وابسته وابسته» و یک ترکیب وصفی وجود دارد.

- (۳) «را» هم در معنای حرف اضافه و هم در معنای حرف نشانه آمده است.      (۴) اجزای تشکیل دهنده یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.



۱۵ - با توجه به بیت زیر، کدام گزینه نادرست است؟

تا سلسله ایوان بگسست مداین را در سلسله شد دجله چون سلسله شد پیمان

- ۱) نوع «را» فک اضافه است  
۲) در بیت، وابسته وابسته وجود ندارد  
۳) بیت هم جمله دو جزئی دارد هم سه جزئی  
۴) زمان همه افعال، ماضی است.

۱۶ - در کدام یک از نمونه‌های زیر ترکیب وصفی به کار رفته است؟

- ۱) بگفت از عشق‌بازان این عجب نیست  
۲) مست گفت: «ای دوست، این پیراهن است افسار نیست»  
۳) کافور بر آن ضمد کردند  
۴) بگسل ز هم این نژاد و پیوند

۱۷ - در عبارت «مردم ایران پیرامون هر کس که امکان دستیابی به قدرت داشت، گرد می‌آمدند تا در جوارش از ستم حاکم پیشین برهند»؛ نوع وابسته‌ها در گروه‌های اسمی با حفظ ترتیب در کدام گزینه درست مشخص شده است؟

- ۱) صفت بیانی - صفت مبهم - صفت نسبی - صفت فاعلی - مضاف‌الیه - صفت پسین - صفت پیشین  
۲) مضاف‌الیه - صفت مبهم - مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - صفت پسین  
۳) مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - صفت پسین - صفت مبهم - مضاف‌الیه - صفت پیشین  
۴) مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - مضاف‌الیه - صفت نسبی - مضاف‌الیه - صفت بیانی

۱۸ - در کدام بیت هر دو فعل چهار جزئی مفعول و مسند و سه جزئی با مسند وجود دارد؟

- ۱) یک امروزی عتاب آلوده دیدم روی او، مردم  
۲) عاقلان خوشه‌چین از سر لیلی غافلند  
۳) نه مست بودی و پنداشتم که چون مستان  
۴) پنداشتم که دل به بتان می‌توان نداد  
کسی را جان کجا ماند، اگر ماهی چنین باشد  
این کرامت نیست جز مجنون خرمن‌سوز را  
همی به حيله شناسی بلندی از پستی  
سرمنزل مراد بود آستان عشق

۱۹ - با توجه به رباعی زیر، همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به جز: (با تغییر)

از باغ جمالت آگه ار بودی گل  
این راه پر از خار نیمودی گل  
با این همه خارها که در پی دارد  
چون آمد و چون رفت بدین زودی گل

- ۱) پنج ترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.  
۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
۴) در رباعی فوق «سه جمله سه جزئی» و «دو جمله دو جزئی» یافت می‌شود.

۲۰ - در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

- ۱) زنگیان دشمن آینه بی زنگارند  
۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظر  
۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من  
۴) قسمت یوسف بی جرم نشد از اخوان  
طمع روی دل از تیره‌دلان نیست مرا  
از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا  
نفس صبح قیامت نکند سرد مرا  
گوشمالی که در این دور هنر داد مرا

۲۱ - در کدام بیت، یک جمله «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله «نهاد + مسند + فعل» یافت می‌شود و فاقد مناداست؟

- ۱) تا مگر صائب شکست خویش را سازی درست  
۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد  
۳) غیر صائب که دمی می‌زند از سوز جگر  
۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی  
در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش  
کمند ناله او نیست دل شکار امروز  
اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز  
در بساط خاک صائب غنچه تصویر باش

۲۲ - تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیشتر است؟

- ۱) آن که ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند  
۲) شهنشوار من که مه آینه‌دار روی اوست  
۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست  
۴) شرح شکن زلف خم اندر خم جانان  
قوت جان حافظش در خنده زیر لب است  
تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است  
گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست  
کوتاه نتوان کرد که این قصه درازست



۲۳- در بیت «این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند / کان را که خبر شد خبری باز نیامد» کدام مورد دیده نمی‌شود؟

- ① صفت اشاره      ② ضمیر اشاره      ③ پنج وابسته      ④ یک وابسته وابسته

۲۴- در کدام گزینه وابسته وابسته وجود ندارد؟

- ① هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش  
 ② نی حدیث راه پر خون می‌کند  
 ③ سینه خواهم شرحه شرحه از فراق  
 ④ هر کسی از ظن خود شد یار من
- باز جوید روزگار وصل خویش  
 قصه‌های عشق مجنون می‌کند  
 تا بگویم شرح درد اشتیاق  
 از درون من نجست اسرار من

۲۵- کاربرد حرف «را» در کدام گزینه متفاوت است؟

- ① آوخ که پست گشت مرا همت بلند  
 ② دعوی او را دلیل استیم ما  
 ③ ما را به‌جز خیالت فکری دگر نباشد  
 ④ مرا نگیخته دل کز گزند ایمن بود
- زنگار غم گرفت مرا طبع غم زدای  
 از براهیم خلیل استیم ما  
 در هیچ سر خیالی زین خوب‌تر نباشد  
 فتاد و سنگ جفای تو باز خورد و شکست

۲۶- «را»ی مفعولی در کدام بیت دیده می‌شود؟

- ① زهی عشق زهی عشق که ما راست خدایا  
 ② نشسته‌ایم کنارت نگاه کن ما را  
 ③ گر مخیر بکنندم به قیامت که چه خواهی  
 ④ خوبان پارسی‌گوی بخشندگان عمرند
- چه نغز است و چه خوب است و چه زیباست خدایا  
 بگو نمی‌روی و رو به راه کن ما را  
 دوست ما را و همه نعمت فردوس شما را  
 ساقی بده بشارت رندان پارسا را

۲۷- در همهٔ گزینه‌ها جمله‌ای بر اساس «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به‌جز .....

- ① ناصح که می‌زد لاف عقل از حسن لیلی وش بتان  
 ② شست دستش را به آب زندگی معمار صنع  
 ③ خط آزادی گرفت از گوشمال روزگار  
 ④ می‌زند زخم نمایان موج جوهر در دلم
- یک شمه بنمودم به او عاشق نه مجنون کردم  
 خضر دیوار یتیمی را اگر آباد کرد  
 هر که روی خویش وقف سیلی استاد کرد  
 کاوش مژگان چه با این بیضه فولاد کرد

۲۸- وابسته وابسته در کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ① ز دیده مردم چشمم نشسته در خون است  
 ② روزگاری است که سودای بتان دین من است  
 ③ جمالت معجز حسن است لیکن  
 ④ حکایت لب شیرین کلام فرهاد است
- ببین که در طلبت حال مردمان چون است  
 غم این کار نشاط دل غمگین من است  
 حدیث غمزه‌ات سحر مبین است  
 شکنج طرهٔ لیلی مقام مجنون است

۲۹- نمودار کدام گزینه نادرست است؟

- ① دل نازک دخترک همسایه      ② کدام بیت غزل حافظ  
 ③ همین مردم خواستار آزادی      ④ شعار شاعر سرزمین ما

۳۰- در قطعهٔ «آنان به آفتاب شیفته بودند / زیرا که آفتاب / تنهاترین حقیقتشان بود / احساس واقعیتشان بود / با نور و گرمی‌اش / مفهوم بی‌ریای رفاقت / ود / با تابناکی‌اش / مفهوم بی‌فریب صداقت بود.» به‌ترتیب چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی ساخته شده است؟

- ① ۸-۴      ② ۸-۳      ③ ۷-۴      ④ ۷-۳

۳۱- در قطعهٔ «میوه بر شاخه شدم / سنگ پاره در کف کودک / طلسم معجزتی / مگر پناه دهد از گزند خویشتم / چنین که / دستِ تناول به خود گشاده / منم!» چند ترکیب اضافی پدید آمده است؟

- ① سه      ② چهار      ③ پنج      ④ شش



۳۲- در همه گزینه‌ها، پیوند وابسته‌ساز حذف شده است، به جز ..... .

- |                                 |                              |
|---------------------------------|------------------------------|
| ۱) کنون من گشایم چنین روی و موی | سیاه تو گردد پر از گفت و گوی |
| ۲) کنون لشکر و دژ به فرمان توست | نباید بر این آشتی، جنگ جُست  |
| ۳) شگفت آمدش گفت از ایران سپاه  | چنین دختر آید به آوردگاه؟    |
| ۴) بدو روی بنمود و گفت ای دلیر  | میان دلیران به کردار شیر     |

۳۳- در کدام گزینه دو وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه دیده می‌شود؟

- |                                     |                                 |
|-------------------------------------|---------------------------------|
| ۱) بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست | بگشای لب که قند فراوانم آرزوست  |
| ۲) یعقوب‌وار و اسفاها همی زنم       | دیدار خوب یوسف کنعانم آرزوست    |
| ۳) گفتی ز ناز «بیش مرنجام مرا، برو» | آن گفتنت که «بیش مرنجام» آرزوست |
| ۴) زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت   | شیر خدا و رستم دستانم آرزوست    |

۳۴- در کدام گزینه فعل «سوختن» نیاز به مفعول ندارد؟

- |  |                                     |
|--|-------------------------------------|
| ۱) زان رو که دغاها و نماهاش بس خوش است | غدرش مرا بسوزد غدارم آرزوست         |
| ۲) می‌سوزم از اشتیاق، در آتشم از فراق  | کانون من، سینه من، سودای من، آذر من |
| ۳) غفلتم می‌سوزد اما نیستم بی‌یاد او   | در میان خنده گاهی گریه‌ها سر می‌کنم |
| ۴) همچنان داغ جدایی جگرم می‌سوزد       | مگرم دست چو مرهم بنهی بر دل ریش     |

۳۵- در کدام بیت، ترکیب اضافی کمتر از سایر گزینه‌ها است؟

- |                                    |                                   |
|------------------------------------|-----------------------------------|
| ۱) دود آهی که بر آید ز دل سوختگان  | گرد آیینۀ روی تو در آید روزی      |
| ۲) این سرکشی که کنگره کاخ وصل راست | سرها بر آستانۀ او خاک در شود      |
| ۳) سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد  | تا روی در این منزل ویرانه نهادیم  |
| ۴) چشم و دهان یار تلافی کند مگر    | عمر عزیز را که به خواب و خیال رفت |

۳۶- تعداد ترکیب‌های وصفی و اضافی، به ترتیب در کدام گزینه نادرست است؟

- |                                      |  |
|--------------------------------------|--|
| ۱) اسیر عشقم و از هرچه در جهان فارغ  | گدای یارم و بر هرکه در دو عالم شاه (سه - دو) |
| ۲) ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید    | هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند (سه - یک)    |
| ۳) هر چراغی در ره گم‌گشته‌ای افروختم | در شب تار عدم شمع مزاری شد مرا (دو - سه)     |
| ۴) صد غنچه دل، از نفس ما شکفته شد    | هرجا که چون نسیم سحر، پا گذاشتیم (سه - سه)   |

۳۷- در عبارت زیر چند ترکیب وصفی از نوع صفت مبهم به کار رفته است؟

عادت کرده بود که همه چیز را گذران و همه احوال عالم را در معرض تبدل تلقی کند، به همین دلیل از هیچ پیشامد جالبی، زیاده اظهار شادمانی نمی‌کرد و ز هیچ حادثه سوئی هم به شکوه در نمی‌آمد. وقتی یک تن از یاران را غمناک دید، گفت: در دنیا همه دلتنگی‌ها از دل‌نهادگی بر این عالم است. این ناکساری و تواضع حاکی از آن بود که او به مرتبه فنا رسیده بود و هیچ دلتنگ نبود.

- |       |        |         |       |
|-------|--------|---------|-------|
| ۱) شش | ۲) پنج | ۳) چهار | ۴) سه |
|-------|--------|---------|-------|



### ۳۸- در کدام گزینه نقش دستوری مسند دیده نمی‌شود؟

- ۱) فکر شنبه تلخ دارد جمعه اطفال را / عشرت امروز بی‌اندیشه فردا خوش است
- ۲) ما گوشه‌نشینان چمن‌آرای خیالیم / در خلوت ما نکبت گل بار ندارد
- ۳) فرصتی تا هست، بیرون آی از زندان جسم / در بهاران تخم بی‌دردی که در گل ماند، ماند
- ۴) قیاس کن که دلم را چه تیر عشق رسید / که پیش ناوک هجر تو جان سپر می‌گشت

### ۳۹- در کدام یک از بیت‌های زیر جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود ندارد؟

- ۱) ای خوش آن کس که نفس را دارد / خوار و در پیش خویش نگذارد
- ۲) ببخشایند چون حالم بدانند / به نیکی بر زبان نامم برانند
- ۳) زهر قاتل شناس دنیا را / رو تو پازهر ساز عقبی را
- ۴) همه را جمله نیست گردانید / بر سباع و ددان شهی رانید

### ۴۰- در کدام گزینه، جمله‌ای با ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» وجود دارد؟

- ۱) زاهد ار پنداشت با تسبیح او گردد سپهر / بی‌خبر زان چشم مست و گردش پیمانه بود
- ۲) ای نسیم سحر، از خود به فغانم، برسان / خبر او، که ز خود بی‌خبرم گرداند
- ۳) ما زنده به آنیم که آرام نگیریم / موجیم که آسودگی ما عدم ماست
- ۴) به تسلیم از کمال نسخه هستی مشو غافل / سر افتاده شاید نقطه باشد انتخابش را

### ۴۱- در کدام بیت هر دو نوع جمله با ساختار «نهاد + مسند + فعل» و «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود؟

- ۱) کیمیا خوانندش آن‌ها کز خرد بیگانه‌اند / راست می‌گویند زان که چهره‌هاشان چون زرست
- ۲) درونت حرص نگذارد که زر بر دوستان پاشی / شکم‌خالی چو نرگس باش تا دستت درم گردد
- ۳) از عشق تو نشکیم گر خوانی و گر رانی / زیرا که دل افتاده در کوی تو می‌بینم
- ۴) ناصح که می‌زد لاف عقل از حسن لیلی‌وش بتان / یک شمه بنمودم به او عاشق نه مجنون کردمش

### ۴۲- نقش دستوری گروه‌های اسمی مشخص شده در کدام گزینه تماماً درست است؟

- ۱) نداد عشق گریبان به دست کس ما را / گرفت این می پر زور چون عسس ما را (مفعول - نهاد)
- ۲) وفا کنیم و ملامت کشیم و خوش باشیم / که در طریقت ما کافری است رنجیدن (مسند - نهاد)
- ۳) غرور حسن است اجازت مگر نداد ای گل / که پرستی نکنی عندلیب شیدا را (نهاد - مفعول)
- ۴) خضری چو کلک سعدی همه روز در سیاحت / نه عجب گر آب حیوان به درآید از سیاهی (متمم - قید)

### ۴۳- در بیت «هرگز به یمن عاطفت پیر می‌فروش / ساغر تهی نشد ز می صاف روشنم»، نهاد و مضاف‌الیه مضاف‌الیه کدام است؟

- ۱) م در روشنم - ت در عاطفت      ۲) من محذوف - روشن      ۳) ساغر - پیر      ۴) پیر می‌فروش - م در روشنم

### ۴۴- در ابیات زیر در مجموع چند مفعول به کار رفته است؟

- چو هیچ‌کار نباشد به کار کس ما را / چرا به خود نگذارند یک نفس ما را
- ز شاخسار قفس هم به رو درافتادیم / شکسته‌بالی ما کشت در قفس ما را
- فس گداخته هر سو دویم و بی‌خبریم / که جان ز سینه برآید به یک نفس ما را
- سوز سینه خود بانگ نوحه را مانیم / که جز به مرگ نخوانند زین سپس ما را

- ۱) پنج      ۲) چهار      ۳) سه      ۴) دو

### ۴۵- در سروده «... در بن این چاه آبش زهر شمشیر و سنان گم بود / پهلوان هفت‌خوان اکنون / طعمه دام و دهان خوان هشتم بود، چند ترکیب اضافی وجود دارد؟

- ۱) پنج      ۲) شش      ۳) هفت      ۴) هشت



۴۶- در کدام گزینه نقش تبعی یافت نمی‌شود؟

- ① به از تو نداند کسی گیو را
- ② زبان پر ز یاهو روان پر گناه
- ③ بد خدمتی اساس نهادی تو ناخلف
- ④ به زیورها بیارایند مردم خوب‌رویان را
- ⑤ نهنگ بلا رستم نیو (پهلوان) را
- ⑥ رُخان زرد و لِرزان تن از بیم شاه
- ⑦ گردندگی (انحراف) به پیشه گرفتی تو نابکار
- ⑧ تو سیمین تن چنان خوبی که زیورها بیارایی

۴۷- در کدام گزینه از نظر دستوری نقش «بدل» نمی‌یابید؟

- ① میرزا رضا تمام اوقاتش در مشق مستغرق بود.
- ② من خودم هیچ وقت او را در حال خطاطی ندیدم.
- ③ برادرم میرزا رضا نزد آن استاد مشق می‌کرد.
- ④ درویش عبدالمجید طالقانی متخلص به مجید، پایه‌گذار خط شکسته نستعلیق است.

۴۸- تکواژ «ان» در بیت زیر مانند تکواژ «ان» در کدام گزینه نیست؟

- «ز توس اندر گذشتم مردجویان»  
 ① بر ناروان لحن دل‌انگیزان است      ② باد سحری سپیده‌دم خیزان است      ③ با میغ سیه به کشتی آویزان است      ④ وان میغ سیه ز چشم خونریزان است

۴۹- در کدام بیت حذف فعل وجود ندارد؟

- ① گر بر وجود عاشق صادق نهند تیغ
- ② تو چه ارمغانی آری که به دوستان فرستی
- ③ گوش بر ناله بلبل کن و بلبل بگذار
- ④ هرگز آن دل بنمیرد که تو جاننش باشی
- ⑤ گوید بکش که مال سیل است و جان فدا
- ⑥ چه از این به ارمغانی که تو خویشتن بیایی
- ⑦ تا نگوید سخن از سعدی شیرازی به
- ⑧ نیکبخت آن که تو در هر دو جهانش باشی

۵۰- در همهٔ مصراع‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؛ به جز:

- ① درون فروماندگان شاد کن
- ② خداوند زر برکند چشم دیو
- ③ کرم خوانده‌ام سیرت سروران
- ④ مژگان تو دل را هدف تیر ستم ساخت



## پاسخنامه تشریحی

۱ - گزینه ۳ بیت «الف»، ← خواجه معروف / بنده گمنام

بیت «ب»، ← شام / حرام / حرام (محذوف)

بیت «ج»، ← خاک / بر این / موافق

بیت «د»، ← دیباچه

۲ - گزینه ۲ در وابسته‌های پسین فلش از وابسته به سمت عقب است؛ ولی در وابسته‌های پیشین فلش به سمت جلو باید باشد.

حسرت: هسته / آن لعل روانبخش: لعل: هسته، آن: وابسته پیشین / روانبخش: وابسته پسین

۳ - گزینه ۴ هر دو «را» در گزینه «۴» مفعولی هستند که بعد از مفعول آمده‌اند اما در گزینه‌های دیگر هم رای مفعولی آمده است هم رای حرف اضافه:

گزینه «۱»: آینه را نیست اعتبار (برای) / گل را ز گل فروش (مفعولی)

گزینه «۲»: سیل را خاشاک (مفعولی) / رهروان عشق را (برای)

گزینه «۳»: نماند جفاجوی را (برای) / درهم کشد روی را (مفعولی)

۴ - گزینه ۳ گزینه ۱: «نیست» در اینجا یعنی «نابود» و فعل «گردانند» مفعول و مسند می‌خواهد. // گزینه ۲: «و» در اینجا واو همراهی است. واو همراهی نوعی حرف اضافه است. (چون بود آب شور و استسقا: چگونه بود آب شور با استسقا؟) // گزینه ۳: لیک یار هم کیسه کم بود (باشد) ← «هم کیسه» صفت نهاد است. // گزینه ۴: اگر پوست دوست را از هم بدری ← «پوست» مفعول و «دوست» مضاف‌الیه مفعول است.

۵ - گزینه ۳ گزینه ۱: «سخت» اول (محکم): صفت برای «بند» // «سخت» دوم (بسیار): قید مسند؛ یعنی، قید «سست بنیاد»

گزینه ۲: «خاموش»: مسند (مرغ تسبیح‌گوی باشد و من خاموش باشم) // «خامش»: قید («نشستن» که مسند نمی‌خواهد!)

گزینه ۳: «سحر» ها: قید

گزینه ۴: «تیر» اول (تیر پرتاب کردنی): مفعول، «تیر» دوم (عطارد): مضاف‌الیه

۶ - گزینه ۴ تو کافر دل نقاب زلف [را] نمی‌بینی و [من] می‌ترسم که خم آن ابروی دلستان محرابم را بگرداند (تغییر بدهد).

نهاد بدل مفعول نهاد نهاد مفعول نهاد

۷ - گزینه ۴

گزینه ۱: دو دستگاه دوربین عکاسی قدیمی ( «قدیمی» صفت عکاسی نیست ، بلکه صفت دوربین است )

گزینه ۲: همه جور آدم عجیب و غریب یک تکه کاغذ نقاشی مجاله شده

گزینه ۴: این درخت چنار پیر باغ

چون «چنار» نوع درخت را مشخص می‌کند، در حکم صفت است؛ پس «پیر» صفت «درخت» است. «باغ» هم مضاف‌الیه «درخت» است؛ یعنی هر سه واژه «چنار»، «پیر» و «باغ» وابسته درجه اول هستند. نکته: اگر مضاف‌الیه جنس، نوع یا کارکرد مضاف را مشخص کند مانند صفت است. مثلاً عکاسی و چنار نوع دوربین و درخت را مشخص می‌کنند. نقاشی هم نوع یا کارکرد کاغذ را بیان می‌کند، پس با این که نوعاً اسم هستند اما در اینجا صفت فرضشان می‌کنیم. بنابراین صفت پس از آن‌ها مربوط به آن‌ها نیست.

۸ - گزینه ۱ راست (سخن راست) زهر شکرین انجالی است. کژ (سخن دروغ) نباتی است که کام را تلخ می‌کند.

نهاد صفت نهاد مسند

۹ - گزینه ۱ سلطان زمین حاکم درویش نیست که ( چون که ) بنده سلطنت فقر به فرمان کسی نیست. ( مفهوم «دولت فقر» )

نهاد مسند نهاد مسند

۱۰ - گزینه ۲ گزینه ۱: او برتر از نام و از جایگاه [است] ← معنایی // گزینه ۲: خورشید تابان سپاه تو را [برتابد] ← لفظی // گزینه ۳: که از او فارغ [هستی] ← معنایی // معنای // معاشران [با شما سخن می‌گویم] ← معنایی

۱۱ - گزینه ۳ در بیت الف: آن پی مهر تو گیرد / پی خویش نگیرد / و در بیت «د» دوست دارد / آن که دوستش داری علاوه بر فعل به مفعول هم نیاز دارد.





۱۲ - گزینه ۴ ب) نگاه آن سمن بر

ج) گل این باغ

ه) رخسار آن خورشید طلعت

۱۳ - گزینه ۲ گزینه ۱: «یکدیگر» یک واژه است. «همه» بدل است. // گزینه ۲: ۱- هر هفته ۲- چند منزل ۳- هر منزل ۴- چند هفته // گزینه ۳: ۱- چه بنیاد «دگر باره» یک واژه است. //

گزینه ۴: ۱- هر جا

(چه ... چه ... حرف ربط هم پایه ساز دوتایی است؛ نه صفت پیشین.)

۱۴ - گزینه ۱ فعل‌های «نیست» در پایان هر سه مصراع غیر اسنادی است و در معنای «وجود ندارد» به کار رفته و سه واژه «مستی» «پستی» و «هستی» نهاد هستند.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۲: «وابسته و وابسته» در مصراع ۱ (ت مضاف الیه مضاف الیه است) و ترکیب وصفی در مصراع ۴ (یک صفت شمارشی است)

گزینه ۳: «را» حرف اضافه به معنی برای در بیت اول و «را» مفعول در بیت دوم

گزینه ۴: الگوی ساخت مصراع ۳ است.

۱۵ - گزینه ۳ ترتیب اجزای مصراع اول به این شکل است: تا سلسله ایوان مدائن بگسست، پس نوع را فک اضافه است. / فعل «بگسست» دوجزئی و ناگذر است و فعل «شد» سه جزئی اسنادی است.

گروه اسمی: سلسله ایوان مدائن

هسته مضاف الیه مضاف الیه

افعال «گسست و شد» ماضی هستند.

۱۶ - گزینه ۴ (این وابسته پیشین، صفت اشاره است.)

در گزینه‌های ۱ و ۲ «این» نهاد است و در گزینه ۳ «آن» متمم.

۱۷ - گزینه ۲ ایران: مضاف الیه // هر: صفت مبهم // کس: مضاف الیه // دستیابی: مضاف الیه // ش: مضاف الیه // حاکم (در اینجا اسم است و شخص حاکم منظور است): مضاف الیه // پیشین:

صفت نسبی ← صفت پسین

۱۸ - گزینه ۱ بررسی گزینه‌ها:

گزینه ۱) من او را عتاب آلوده دیدم (= پنداشتن): مفعول، مسند / اگر ماهی چنین باشد: مسند

گزینه ۲) غافل: مسند / مجنون خرمن سوز: متمم (این کرامت جز برای مجنون خرمن سوز وجود ندارد.)

گزینه ۳) مست: مسند / پنداشتن: در اینجا به معنی «گمان کردن» و سه جزئی با مفعول است / می شناسی: چهار جزئی با مفعول و متمم است.

گزینه ۴) پنداشتن: در اینجا به معنی «گمان کردن» و سه جزئی با مفعول است. / سر منزل مراد: مسند

۱۹ - گزینه ۲ در هر سه مصراع «گل» نهاد است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱) پنج ترکیب وصفی: این راه / راه پر از خار / این خارها / همه خارها / این زودی، باغ جمال: اضافه تشبیهی

۳) مصراع ۱ و ۲ و ۴ بلاغی و مصراع ۳ عادی است.

۴) فعل‌های (بودی / نیمودی / در پی دارد) سه جزئی و فعل‌های (آمد / رفت) دو جزئی هستند.

۵ - گزینه ۱ دل مضاف الیه مضاف الیه و بی زنگار صفت مضاف الیه است.

۲۱ - گزینه ۲ بیت منادا ندارد. جمله در مصراع اول شامل نهاد (فکر صائب)، مفعول (شکار دل) و فعل است و در مصراع دوم الگوی جمله نهاد (کمند ناله او)، مسند (دل شکار) و فعل اسنادی است.

۲۲ - گزینه ۲ چهار مورد: او (مضاف الیه مضاف الیه) / بلند (صفت مضاف الیه) / ش (مضاف الیه صفت) / مرکب (مضاف الیه مضاف الیه)

۱) سه مورد: حافظ / ش / لب

۲) سه مورد: دلگشا / تو / من

۳) سه مورد: زلف / خم اندر خم / جانان

۲۳ - گزینه ۴ «این» صفت اشاره است برای مدعیان. // «آن» در مصراع دوم (کان = که آن) ضمیر اشاره است. // در این بیت، پنج وابسته اسم دیده می‌شود. (نشانه‌های جمع «ان» در پایان «مدعیان» و «بی‌خبران» و «ی نکره ساز» در پایان «خبری» که از چشمتان دور نماند؟)

۲۴ - گزینه ۴

در این گزینه وابسته وابسته نیامده است و فقط چهار با مضاف الیه آمده است.

هر کسی از ظن خود شد یار من

مضاف الیه مضاف الیه

از درون من نجست اسرار من

مضاف الیه مضاف الیه

۱) روزگار وصل خویش

مضاف الیه مضاف الیه مضاف الیه

۲) قصه‌های عشق مجنون

هسته مضاف الیه مضاف الیه

۲) شرح درد اشتیاق

هسته مضاف الیه مضاف الیه

۲۵ - گزینه ۳ بررسی همه گزینه‌ها:

گزینه ۱: «را» به جای کسره اضافه (فک اضافه) ← مرا همت بلند: همت بلند من، مرا طبع غم‌زدای: طبع غم‌زدای من

گزینه ۲: «را» به جای کسره اضافه (فک اضافه) ← دعوی او را دلیل: دلیل دعوی او.

گزینه ۳: «را» به معنی «برای» و حرف اضافه است ← ما را به جز خیالت: برای ما به جز خیال تو.



گزینه ۴: «را» به جای کسره اضافه (فک اضافه) ← مرا نگیته دل: نگیته دل من.

۲۶ - گزینه ۲ حرف «را» در گزینه‌های ۱ و ۳ و ۴ حرف اضافه و در گزینه ۲، را در هر دو مصراع نشانهٔ مفعول است.

۲۷ - گزینه ۴ در بیت گزینه ۴، «موج جوهر» و «چه» مفعول هستند و مسند وجود ندارد.  
تشریح گزینه‌های دیگر:

گزینه ۱: نهاد: (من) / مفعول: ضمیر متصل «ش» / مسند: عاشق نه مجنون / فعل: کردم

گزینه ۲: نهاد (خضر) + مفعول (دیوار) + مسند (آباد) + فعل (کرد)

گزینه ۳: نهاد (هرکه) + مفعول (روی خویش) + مسند (وقف سیلی استاد) + فعل (کرد)

۲۸ - گزینه ۲ وابستهٔ وابسته در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴، از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه است، اما در گزینه ۲، وابستهٔ وابسته صفت مضاف‌الیه است.

گزینه ۱: مردم چشمم  
گزینه ۲: غم این کار  
گزینه ۳: حدیث غمزه ات  
گزینه ۴: شکنج طره لیلی

کدام بیت غزل حافظ «بیت» هسته است.

۲۹ - گزینه ۲

در گزینه ۳، «آزادی»، «خواستار» را توضیح می‌دهد و وابستهٔ صفت «خواستار» است.

۳۰ - گزینه ۲ آنان به آفتاب شیفته بودند / زیرا که آفتاب / تنهاترین حقیقت‌شان بود / احساس واقع‌شان بود / با نور و گرمی اش /  
ضمیر مسند ص ص م م م

مفهوم بی‌ریای رفاقت بود / با تابناکی اش / مفهوم بی‌فریب صداقت بود  
ص م ص م

(«اش» هم مضاف‌الیه نور است و هم مضاف‌الیه گرمی، یعنی با یک مضاف‌الیه، دو ترکیب اضافی ساخته شده است.)

۳۱ - گزینه ۲ ۱- «کودک» مضاف‌الیه است. ۲- «معجزت» مضاف‌الیه است. ۳- «خویشتن» مضاف‌الیه است. ۴- تطاول (ستم) مضاف‌الیه است.

۳۲ - گزینه ۲ گزینه نخست: با توجه به معنای شعر و ماجرای داستان (نبرد گردآفرید و سهراب) روشن می‌شود که حرف ربط «اگر» از آغاز بیت حذف شده است.

گزینه دوم: هر دو مصراع یک جملهٔ مستقل ساده است و حرف ربطی در کار نیست.

گزینه سوم و چهارم: در هر دو بیت حرف ربط «که» پس از فعل «گفت» حذف شده است.

۳۳ - گزینه ۲ دیدار خوب یوسف کنعانی  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه م

توجه: ممکن است یک کلمه دو صفت بگیرد ولی صفت صفت نداشته باشد

این هم‌رمان سست عناصر دو صفت دارد: این: صفت پیشین، سست عناصر: صفت پسین  
حتی ممکن است هر دو صفت پیشین یا پسین باشند اما باز صفت صفت نداشته باشیم.

این چند کتاب: دو صفت پیشین دارد ولی صفت صفت ندارد.

پدر خوب مهربان: دو صفت پسین دارد ولی صفت صفت ندارد چون هر دو صفت پدر می‌باشند که هسته است.

۳۴ - گزینه ۲ بررسی همهٔ گزینه‌ها:

گزینه ۱: گذرا: می‌سوزاند [بسوزد]: گذرا

گزینه ۲: من می‌سوزم از اشتیاق تو [می‌سوزم]: ناگذر

گزینه ۳: غفلتم می‌سوزد (م: مفعول است) ← غفلت مرا می‌سوزد [می‌سوزاند]: گذر

گزینه ۴: داغ جدایی جگر مرا [می‌سوزد]: می‌سوزاند [گذرا]

۳۵ - گزینه ۴ گزینه ۱: دود آه / دل سوختگان / گرد آینه / آینه روی / روی تو  
۱ ۲ ۳ ۴ ۵

گزینه ۲: کنگره کاخ / کاخ وصل / آستانه او / خاک در  
۱ ۲ ۳ ۴

گزینه ۳: سلطان ازل / گنج غم / غم عشق  
۱ ۲ ۳

گزینه ۴: چشم یار / دهان یار  
۱ ۲

۳۶ - گزینه ۴ در این گزینه دو ترکیب وصفی به کار رفته است: صد غنچه، هر جا / سه ترکیب اضافی: غنچهٔ دل، نفس ما، نسیم سحر

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: ترکیب‌های وصفی: هرچه، هر که، دو عالم / ترکیب‌های اضافی: اسیر عشق، گدای یار

کته: اسیر عشقم و گدای یارم به ترتیب یعنی اسیر عشق و گدای یار هستیم پس م نقش مضاف‌الیهی ندارد.

گزینه ۲: ترکیب‌های وصفی: آن مقصد - مقصد عالی - گامی چند / ترکیب‌های اضافی: لطف شما

گزینه ۳: ترکیب‌های وصفی: هر چراغ، شب تار / ترکیب‌های اضافی: ره گم‌گشته‌ای، شب عدم، شمع مزار



۳۷ - گزینه ۲ صفت‌های مبهم: همه چیز، همه احوال، هیچ پیشامد، هیچ حادثه، همه دل‌تنگی‌ها.

۳۸ - گزینه ۳ در گزینه ۱: «خوش، گزینه ۲: چمن آرای و در گزینه ۴: سپر نقش دستوری مسند دارند. اما بیت ۳ فاقد این نقش است. فعل «هست» در این بیت اسنادی نیست و نقش مسند نمی‌پذیرد. معنای مصراع اول: «تا فرصتی وجود دارد، از زندان جسم بیرون آی»

۳۹ - گزینه ۲ گزینه ۱: ای خوش آن کسی که نفس را خوار دارد (= بگرداند، بپندارد)

گزینه ۲: «داشتن» و «راندن» در معنی عادی خود آمده‌اند و گذرا به مفعول هستند.

گزینه ۳: دنیا را ز هر قاتل بشناس (بپندار)

گزینه ۴: همه را جمله نیست (نابود) گردانید.

۴۰ - گزینه ۲ در مصراع دوم این بیت، جمله‌ای با ساختار خواسته‌شده در سؤال دیده می‌شود:

ز خود بی‌خبر م گرداند: (او) (من) را بی‌خبر می‌گرداند.

۴۱ - گزینه ۱ (۱) آن‌ها: نهاد / ش: در خوانندش: مفعول / کیمیا: مسند / خوانند: فعل / چهره‌هاشان: نهاد چون زر: مسند / است: فعل اسنادی

(۲) درونت حرص نگذارد: نهاد + فعل / زر بر دوستان پاشی: نهاد + مفعول + فعل / شکم خالی چو نرگس باش: نهاد + مسند + فعل / تا دستت درم گردد: نهاد + مسند + فعل

(۳) از عشق تو نشکیم: نهاد + متمم + فعل / گر [مرا] خوانی: نهاد + مفعول + فعل / گر [مرا] رانی: نهاد + مفعول + فعل / دل افتاده در کوی تو می‌بینم: نهاد + مفعول + فعل

(۴) ناصح که می‌زد لاف عقل از حسن لیلی‌وش بتان: نهاد + فعل (بقیه اجزای این جمله قابل حذف است). / یک شمه بنمودم به او: نهاد + مفعول + متمم + فعل / عاشق نه مجنون کردم: نهاد + مفعول + مسند + فعل

۴۲ - گزینه ۴ «چو» حرف اضافه است و گروه اسمی «کلک سعدی» متمم است.

«همه روز» قابل حذف است و نقش‌های نهادی، مفعولی، متممی و ... را نمی‌پذیرد؛ بنابراین گروه قیدی است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه ۱: «عشق گریبان ما را به‌دست کسی نداد (ما مضاف‌الیه است)

گزینه ۲: «رنجیدن، کافری است (کافری: مسند)

گزینه ۳: «از عندلیب شیدا پرسشی نکنی (عندلیب شیدا: متمم)

۴۳ - گزینه ۳ شکل گسترش یافته بیت:

هرگز به یمن عاطفت پیر / می‌فروش / ساغر من از می صاف و روشن تهی نشد  
قید حرف اضافه متمم مضاف‌الیه مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت پیر نهاد مضاف‌الیه حرف اضافه متمم صفت عطف معطوف مسند فعل اسنادی

۴۴ - گزینه ۳ ما در مصراع دوم بیت اول / ما در بیت دوم / ما در بیت چهارم

را در مصراع اول بیت اول به معنای برای است و حرف اضافه به حساب می‌آید. چون برای ما هرچ کار در کار دیگران وجود ندارد.

را در بیت سوم فک اضافه است: جان ما از سینه در می‌آید.

را در مصراع اول بیت چهارم هم حرف اضافه است.

۴۵ - گزینه ۳ پاسخ متنا: ترکیب‌های اضافی: بن چاه، آبش، پهلوان هفت‌خوان، طعمه دام، طعمه دهان، دام خوان، دهان خوان ← ۷ ترکیب

۴۶ - گزینه ۲ گزینه ۱: «رستم نبو» بدل «نهنگ بلا» است. // گزینه ۲: «با توجه به معنا، «و» در مصراع دوم میان دو جمله آمده و حرف ربط هم‌پایه‌ساز دو جمله است نه حرف عطف (تنش از بیم شاه، لرزان بود) // گزینه ۳: «ناخلف» بدل «تو» است. // گزینه ۴: «سیمین تن» بدل «تو» است.

۴۷ - گزینه ۱ «خودم» در گزینه دوم، بدل «من» است. «متخلص به مجید» در گزینه چهارم بدل درویش عبدالمجید طالقانی است. («میرزا» و «درویش» شاخص هستند). «میرزا رضا» در گزینه سوم، بدل «برادرم» است: برادرم، یعنی میرزا رضا

۴۸ - گزینه ۱ «ان» در «دل‌انگیزان» نشانه جمع است. دل‌انگیزان: دل‌انگیزها = (پرنندگان خوش‌آواز)

«ان» در بیت موردنظر و سه گزینه دیگر «ان» فاعلی است که حالت را نشان می‌دهد.

۴۹ - گزینه ۳ حذف فعل‌ها عبارت‌اند از:

گزینه ۱ (۱) مال سیل است و جان فدا [است]

گزینه ۲ (۲) چه از این به [است]

گزینه ۴ (۴) نیکبخت آن [است]

معنی مصراع دوم گزینه ۳: تا سخنی به (بهتر) از سعدی شیرازی نگوید.

۵۰ - گزینه ۲ الگوی گزینه ۲: نهاد + مفعول + فعل

ر. گزینه‌های ۱ و ۴، افعال کن و ساخت در معنای گردانیدن و در گزینه ۳ فعل خوانده‌ام در معنای نامیدن آمده است.

## پاسخنامه کلیدی

۱ - ۳	۹ - ۱	۱۷ - ۲	۲۵ - ۳	۳۳ - ۲	۴۱ - ۱	۴۹ - ۳
۲ - ۲	۱۰ - ۲	۱۸ - ۱	۲۶ - ۲	۳۴ - ۲	۴۲ - ۴	۵۰ - ۲
۳ - ۴	۱۱ - ۳	۱۹ - ۲	۲۷ - ۴	۳۵ - ۴	۴۳ - ۳	
۴ - ۳	۱۲ - ۴	۲۰ - ۱	۲۸ - ۲	۳۶ - ۴	۴۴ - ۳	
۵ - ۳	۱۳ - ۲	۲۱ - ۲	۲۹ - ۲	۳۷ - ۲	۴۵ - ۳	
۶ - ۴	۱۴ - ۱	۲۲ - ۲	۳۰ - ۲	۳۸ - ۳	۴۶ - ۲	
۷ - ۴	۱۵ - ۳	۲۳ - ۴	۳۱ - ۲	۳۹ - ۲	۴۷ - ۱	
۸ - ۱	۱۶ - ۴	۲۴ - ۴	۳۲ - ۲	۴۰ - ۲	۴۸ - ۱	